

بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی (۱۳۹۴-۱۳۵۳)

مجید فولادیان^۱، حسن رضایی بحرآباد^۲، محسن سوهانیان حقیقی^۳

چکیده

با توجه به اتخاذ پیش فرض ترکیبی بودن هویت، سؤالات اصلی این تحقیق این است که عناصر سازنده این ترکیب در قشر جوان جامعه ایرانی کدام‌اند. تحولات هر کدام از این عناصر در طول چند دهه اخیر چگونه بوده است و چه فراز و فرودی را داشته است. مناسبات میان اجزا سازنده هویت جمعی جوانان ایرانی چگونه است. این ترکیب چه نوع ترکیبی است و نحوه آرایش، هم‌نشینی، داد و ستد و تعامل میان این عناصر به چه ترتیبی است؛ روش تحقیق این پژوهش مطالعه طولی و ملی است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۵۳ انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، هویت مذهبی با میانگین ۸۳/۱۱ در مقیاس ۱۰۰ غالب‌ترین نوع هویت در این سال‌ها در جامعه جوانان ایرانی بوده است. پس از آن هویت ملی با میانگین ۸۰/۲۹ بیشترین گسترش را در میان جوانان دارد. هویت قومی با ۵۳/۴۶ و همچنین هویت مدرن با ۵۲/۰۳ در رده‌های بعدی قرار دارند. برحسب آزمون‌های همبستگی و براساس نمودار هم‌تغییری به‌طور کلی می‌توان استنباط کرد بین هویت ملی و هویت قومی در میان جوانان در سال ۸۶ رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۴، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸ نشان از وجود رابطه بین این دو هویت است. ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است.

واژه‌های کلیدی

هویت ملی، هویت مذهبی، هویت مدرن، هویت قومی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۳

۱. دکتری جامعه‌شناسی نظری فرهنگی و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
fouladiyan@um.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد
rezaebahrabad@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
mohsenhaghghi@mail.um.ac.ir

مقدمه

در دوران معاصر مسأله هویت بیش از هر عصری، ذهن انسان امروزی را به خود مشغول داشته است. حضور انسان در شاهراه‌های اطلاعاتی و دسترسی او به امکانات جامعه اطلاعاتی، هویت‌های سنتی و هویت‌سازی سنتی را با دشواری و چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو ساخته است. در جوامع امروزی، فرد با مراجع مختلف و متنوعی برخورد می‌کند که هر کدام ارزش‌های خاص و سبک زندگی ویژه‌ای را ترویج می‌کنند. همچنین دوران نوجوانی و جوانی، دورانی است که در آن بحران هویت‌یابی بر سازمان روانی فرد چیره می‌شود و نوجوان و جوان تشنه هویت را وادار به جستجو و سنجش ارزش‌های مختلف و گاه متضاد می‌نماید تا در پایان این دوره بحرانی، احساس هویت داشتن را برای وی به ارمغان بیاورد (Bourne, 1978). نوجوان و جوان برای کسب هویت خود متأثر از عوامل متعددی است مانند خانواده، نهادهای پرورشی و آموزشی، تغییر و تحولات اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، عوامل فرهنگی، رسانه‌های گروهی، نقش‌هایی که ایفاء نموده، نقش‌هایی که می‌خواهد ایفاء کند و نقش‌هایی که می‌خواهیم ایفاء نماید (Valde, 1996). با توجه به شکل‌گیری شخصیت جوانان در این سنین، آنها در دوره‌ای بسر می‌برند که احساس تعلق عاطفی به جامعه خود کسب می‌نمایند. در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت فرد شکل گرفته و در روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را درونی می‌کند و براساس آنها، رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهد (Marcia, 1987). در عصر دهکده جهانی؛ هر چه فرایند جهانی شدن پر شتاب‌تر و شدیدتر باشد بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر ساختن مرزها و تخریب فضاهای فرهنگی - اجتماعی نسبتاً بسته، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار می‌سازد. بنابراین، نوعی بحران هویت و معنا شکل می‌گیرد که عبور از آن مستلزم بازسازی هویت است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر تمامی مرزهای هویتی مثل خانواده، محله، قومیت و ملیت به شدت نفوذپذیر شده‌اند. در دنیای کنونی، خانواده اقتدار و مرجعیت گذشته خود را از دست داده است. علاوه بر این گسترش فضای اجتماعی و عام شدن بسیاری از امور خاص و درهم‌تنیدگی جهان، موجب شده که نوجوانان و جوانان امروزی در انتخاب هویت‌هایی منسجم و یگانه با مشکل و حتی بحران مواجه شوند و هویت آنها دچار چند پاره‌گی و انشقاق گردد (رفعت‌جاه و شکوری، ۱۳۸۷). همین امر سبب می‌شود که با دگرگونی شرایط زمانی و مکانی و وقوع برخی از حوادث مهم تاریخی، سیاسی و اجتماعی نگرش‌های مردم درخصوص آن تغییر یابد و در نتیجه هویت جامعه‌ای تضعیف یا تقویت گردد (Sasaki, 2004). بنابراین هویت موضوعی تمام و کمال و ذاتی نیست؛ بلکه همیشه تولیدی اجتماعی، سیال و در حال شکل گرفتن است. هویت مقوله‌ای مربوط به معناست؛ از آنجا که معنا طبیعت و ذات اشیاء نیست، بلکه يك رابطه

قراردادی است. بنابراین می‌توان گفت که هویت نیز «همواره قرارداد و نوآوری است، همواره تا اندازه‌ای به اشتراک‌گذارده می‌شود و تا اندازه‌ای درباره آن چون و چرا می‌شود» (جنکینز^۱، ۱۳۸۱: ۶). هویت را باید «محصولی بدانیم که هیچ‌گاه کامل نمی‌شود و همواره در حال تغییر و شدن است» (Hall, 1990: 222). ویژگی‌های رفتاری افراد جامعه در هر زمان، ملهم از آگاهی و معرفت آنهاست که افزون بر شکل‌دهی به هویت آن جامعه، به زیرساخت‌های تاریخی نسل‌های بعدی نیز تبدیل می‌شود (شاکری، ۱۳۸۳). بنابراین، هویت به‌عنوان مفهومی نسبی، اکتسابی و تاریخی، ترکیبی از تجربیات فردی جوانان و مرتبط با عوامل متعددی همچون ریشه‌های تاریخی، محیط جغرافیایی، نظام‌های سیاسی و آموزشی، مصرف اقتصادی، فهم مذهبی، عقاید و اعمال است. به بیان مهم‌تر، هویت بر مبنای احساس تعلق و پیوند گروهی و جمعی، شناسایی حوزه و قلمرویی از حیات تاریخی - اجتماعی فرد یا گروهی است که فرد خود را متعلق و منتسب بدان می‌داند و در برابر آن احساس تکلیف می‌کند. مثل لرها، ایلامی‌ها، کردها، ترک‌ها، ایرانیان، زردشتی‌ها، سنی‌ها، شیعیان و ... اینک جوانان در مرحله اول خود را با کدام یک از این هویت‌ها معرفی و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کنند بیانگر هویت ملی، دینی، قومی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان است (عبداللهی، ۱۳۷۴).

در ایران نیز صاحب‌نظران و محققان مسائل فرهنگی و اجتماعی عموماً بر این رأی متفق‌اند که هویت انسان ایرانی آمیزه‌ای است از میراث فرهنگی سرزمین ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی دارای تمدن تاریخی، دین اسلام؛ هویت‌های قومی ناشی از تنوع ساختار اجتماعی و قبایلی ایران و همچنین فرهنگ غربی (سروش، ۱۳۷۷؛ رجایی، ۱۳۸۲؛ اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶؛ داوری اردکانی، ۱۳۸۳؛ بشیریه، ۱۳۸۱؛ سروش، ۱۳۸۰ و فکوهی، ۱۳۸۱). جداسازی این مؤلفه‌های بنیادین هویت ایرانیان ناممکن می‌نماید. در هر حال، این ابعاد در هویت و زندگی ما ایرانیان دخالت، حضور و نفوذ داشته و دارد. اما مسأله اصلی تعیین سهم و میزان و جایگاه هر کدام در کلیت هویت ایرانی است؛ با در نظر گرفتن این پیش‌فرض، هویت ایرانی مرکب از چهار بعد هویت ملی، مذهبی، قومی و مدرن است (حاجیانی، ۱۳۸۷).

با توجه به اتخاذ پیش‌فرض ترکیبی بودن هویت، سؤالات اصلی این تحقیق این است که نسبت عناصر سازنده این ترکیب در قشر جوان جامعه ایرانی کدام‌اند؟ تحولات هر کدام از این عناصر در طول چند دهه اخیر چگونه بوده است و چه فراز و فرودی را داشته است؟ مسأله مورد توجه دیگر به روابط میان اجزاء مربوط می‌شود و سؤال مشخص آن است که مناسبات و میان اجزا و سازنده هویت جمعی جوانان ایرانی چگونه است؟ به بیان دیگر روابط بین این

اصلاح سازنده هویت از چه کم و کیفی برخوردار است و نحوه و ماهیت این ترکیب به چه شکل است؟ این ترکیب چه نوع ترکیبی است و نحوه آرایش، هم‌نشینی، داد و ستد و تعامل میان این عناصر به چه ترتیبی است؟ در مجموع تعامل میان این هویت‌ها از نوع تعارضی و تضاد است یا اینکه می‌توان از نوعی یکپارچگی، نفوذپذیری، هم‌کنشی، تعامل و همبستگی مثبت میان آنها سخن گفت؟ بر این اساس دو هدف اصلی زیر در این تحقیق دنبال می‌شود:

۱. بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی در سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۵۳؛

۲. بررسی رابطه سطوح مختلف هویت با یکدیگر.

مبانی نظری

مفهوم هویت^۱ ابتدا در روان‌شناسی توسعه یافت و سپس در جامعه‌شناسی نیز مطرح شد. از نقطه نظر روان‌شناختی، هویت به معنای خود و تکوین تفاوت‌های شخصیتی کودک با والدین و اطرافیان مربوط می‌شود. از این دیدگاه، شناخت جایگاه کودک در جامعه به تدریج و در تقابل با دیگران تکوین می‌یابد (گیدنز^۲، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر در این بعد بیشتر بر تمایزات شخصی، تداوم شخصی و استقلال شخصی تأکید می‌شود. در مقابل، مفاهیمی که در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بکار گرفته می‌شوند. معنای هویت را شکل یافته از دیالکتیک بین فرد و جامعه می‌دانند (برگر و لاکمن^۳، ۱۳۷۵).

اساساً رویکرد تعامل اجتماعی به هویت، رویکردی مبتنی بر رابطه است. تجربه هر فردی از هویت به زندگی تاریخی - اجتماعی وی پیوند خورده است. هویت دارای اساسی اجتماعی بوده و در تعاملات اجتماعی به‌طور مداوم در حال بازسازی خویش است. «هویت چیزی است که بر سر آن کشاکش در می‌گیرد و به واسطه آن ترندها پیش برده می‌شود... دستاوردی عملی و ... یک فرایند است» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴).

بنابراین هویت به‌عنوان مفهومی نسبی، اکتسابی و تاریخی، ترکیبی از تجربیات فردی مرتبط با عوامل متعددی همچون ریشه‌های تاریخی، محیط جغرافیایی، نظام‌های سیاسی و آموزشی، مصرف اقتصادی، فهم مذهبی، عقاید و اعمال است.

هویت اجتماعی

همه هویت‌ها به نوعی هویت اجتماعی محسوب می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱)، چراکه هیچ هویتی جدا از سپهر اجتماعی معنی ندارد و شکل‌گیری هویت در فرایندهای اجتماعی شدن ریشه دارد.

1. Identity

2. Giddens

3. Berger & Luckmann

اما نباید تصور کرد که هویت اجتماعی یکبار برای همیشه شکل می‌گیرد. تغییر و دگرگونی همچنان که ذاتی جامعه و تاریخ است، در همه هویت‌های اجتماعی نیز رایج است. بنابراین، هویت امری اکتسابی است که در جریان تعاملات فرد و در درون فضای زندگی شخص شکل می‌گیرد. هویت اجتماعی، شناخت و دانش شخص از جایگاهش در جامعه است. شناختی که وی از تعلق به مقولات اجتماعی یا گروه‌های اجتماعی دارد. یک گروه اجتماعی مجموعه‌ای از افراد دارای «هویت اجتماعی مشترک» هستند (برگر و لاکمان، ۱۳۷۵). پیوند هویت اجتماعی با گروه‌های اجتماعی بسیار مهم است. افراد خود را اعضای یک مقوله یا گروه اجتماعی می‌دانند که احساس مشترکی را در آنها ایجاد می‌کند و شخص با دیگر اعضای آن «فهمی مشترک از چیزها» داشته باشد و آنها را در جهتی سوق بدهد که «در قلمرو نمادین مشترکی مشارکت بورزند» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

پس هویت اجتماعی به ساده‌ترین بیان تعریفی است که افراد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارند. تمامی ویژگی‌ها و رفتارهایی که تمایزی میان ما و آنها می‌گذارد، مؤلفه‌های هویت اجتماعی به شمار می‌روند مثل زبان، دین، قوم یا نژاد، آداب و رسوم، طبقه اجتماعی، شغل، عضویت‌های فرقه‌ای و گروهی و غیره. تلاش برای شناسایی هویت اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرارپذیر کنش‌های گروهی.

با توجه به نظریه‌های هویت، در اینجا هویت را در چهار سطح مورد بررسی قرار داده و ابتدا در زیر به تعریف این چهار سطح می‌پردازیم:

نخستین سطح، سطح محلی است که خردترین و شاید مملوس‌ترین سطح تعلق و وفاداری فردی و جمعی را منعکس می‌کند و شاید بتوان گفت که اساس آن، حس بدهی تعلق به فرهنگی مشترک است، شامل ریشه‌ها و تاریخ مشترک، آداب رسوم و زبان مشترک، سرزمین مشترک و به‌طور کلی شیوه زندگی مشترک برای گذران زندگی روزانه. هویت محلی، احساس تعلق قدیمی به محیط بلافصل را منعکس می‌کند که گویای کهن‌ترین و رایج‌ترین تعلق‌ها تا پیش از گسترش صور مدرن و ناشی از صنعتی شدن غربی بوده است (فکوهی، ۱۳۸۱).

دومین سطح تعلق، سطح ملی است. هویت ملی را باید نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها، به واسطه اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه فرهنگی (گل محمدی، ۱۳۸۱). اسمیت^۲

۱. در ادامه مقاله مراد از سطوح هویت این چهار سطح است.

هویت ملی را بازتولید و بازتغییری پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایز بخش هر ملتی هستند. هویت ملی عبارت است از نوعی احساس تعلق فرهنگ محور، تمایزآفرین و تداوم بخشی به ملتی که دولت و گفتمان‌های مسلط با بهره‌برداری از منابعی معین آن را به وجود آورده، حفظ و تعریف می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۴). براساس نظریه‌ی ایساکس^۱ هویت از احساس تعلق به آنچه گروه ملی نامیده می‌شود به وجود می‌آید. ذات هویت وابستگی و دل‌بستگی‌های دیرینه است. هویت از آنجا که فرد در آن متولد می‌شود، به وجود می‌آید (Malasevic, 2002) یا در واقع آغاز می‌شود.

سومین سطح تعلق، هویت مدرن است که تحت فرایند جهانی شدن مطرح و تبیین می‌گردد. منظور از هویت مدرن کلیه برداشت‌ها و تصورات و خودشناسایی‌هایی است که شهروندان از خود ارائه می‌نمایند و دارای منشأ سنتی (مربوط به گذشته) نیست، بلکه تحت تأثیر تغییرات و مراودات فرهنگی و اجتماعی با دنیای مدرن (غرب) شکل گرفته است. هویت مدرن را نمی‌توان کاملاً به سرزمین و محل یا جغرافیایی مشخصی منسوب کرد. این بعد به معنی پذیرش وجود جامعه و فرهنگ جهانی و احساس تعلق به فرهنگ و ارزش‌های جهانی و نیز پذیرش تسلط نهادها و مسائل و مشکلات جهانی است. همچنین هویت مدرن به معنی گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته (یا تجدد) است. در واقع این بعد به معنی مدرنیته فردی^۲ و حاکی از پذیرش ارزش‌های اساسی سازنده مدرنیته در بعد معرفت‌شناختی است و شامل استدلال‌گرایی، افسون‌زدایی، انسان‌گرایی، فردگرایی، برابری‌طلبی و ترقی‌گرایی است. همچنین نگرش و گرایش مثبت (ذهنیت و تمایلات رفتاری مثبت) به ابعاد اجتماعی تجدد در حوزه روابط اجتماعی است. هویت مدرن در وجه اخیر گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بعد اجتماعی است که ناظر بر مسائل خانوادگی، شغلی، حقوق زن، حقوق بشر و ثروت است. هویت دینی رکن چهارم از هویت جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، چرا که بنا به دلایل متعدد تاریخی، عناصری مانند مذهب، تدین، معنویت و خداگرایی و وحدانیت جزء نسبتاً پایدار هویت ایران و ایرانیان محسوب می‌شوند. به بیان دیگر نماد دین در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد که از این حیث جامعه ایرانی شباهت زیادی با بسیاری از جوامع دیگر دارد. قبل از ورود به بحث و به‌عنوان مقدمه یادآوری این نکته لازم است که منظور از ترکیب هویت دینی این است که هویتی وجود دارد و این هویت از منشاء دین کسب تعریف می‌کند و در واقع به تبع دین، خود را تعریف و مشخص می‌سازد (منصورنژاد، به نقل از حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

1. Isaacs

2. Individual Modernity

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق، روش مورد استفاده یک مطالعه طولی در سطح ملی است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۵۳ انجام می‌گیرد.^۱

دلیل اصلی استفاده از این روش، وسعت موضوعی و نظری پژوهش فوق است. انجام یک مطالعه طولی آن هم مطالعاتی که در ارتباط با سیر تحولات یک جامعه صورت گیرد جز با پشتوانه پیمایش‌های ملی گوناگون در بازه‌های زمانی مختلف نمی‌تواند انجام گیرد. اما مهم‌ترین دلیل انتخاب این روش؛ استفاده از یافته‌های پیمایش‌های ملی معتبر در زمینه موضوع مورد مطالعه است که با صرف بودجه و هزینه بالا انجام گرفته‌اند. این تحلیل‌های ثانویه می‌تواند استفاده از منابعی تلقی شود که تنها سازمان‌های دولتی توانایی فراهم آوردن آنها را دارا هستند، که البته این سازمان‌ها معمولاً تنها به تولید داده‌های خام در مقیاس وسیع اکتفا می‌کنند و تحلیل و تبیین یافته‌های آنها به کارشناسان و صاحب‌نظران آکادمیک در آن حوزه واگذار می‌شود.

در این پژوهش در مجموع از داده‌ها و جداول هجده پیمایش ملی که در سال‌های فوق‌الذکر انجام گردیده، استفاده شده است.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که به دلیل فقر داده‌های معتبر و موازی ملی در این حوزه‌ها (چنان‌که در کشورهای توسعه یافته در موضوعات مختلف با فواصل منظم و دقیق انجام می‌شود)، ناچار برای تأمین داده‌های مورد نیاز این تحلیل، به پیمایش‌های ملی موجود در منابع و مراکز علمی و اجرایی مختلف مراجعه شده است. با این حال، این داده‌ها نیز خالی از خلل نیست و از جنبه‌های مختلف (نظری، روایی، اعتبار، نمونه‌گیری، اجرا، فواصل زمانی، نوع و نحوه انتشار گزارش، رعایت اصل بی‌طرفی، نداشتن خصلت انباشتی و عدم پیوستگی موضوعی و ابزاری با پیمایش‌های قبل از خود و ...) می‌توان به آن‌ها نقدهایی را وارد کرد. بسیاری از این انتقادات، بعد از انتشار گزارش این پیمایش‌ها و مواجهه محققان و صاحب‌نظران با آن رخ می‌نماید که طبیعتاً باید در تکرار موج‌های پیمایش‌های فوق از آن اشکالات اجتناب کرد. از همین رو، انجام تحلیل‌های ثانویه (مانند تحلیل حاضر) برای کشف خلل و فرج این پیمایش‌های ملی نیز ضروری و مفید است.

۱. داده‌های کمی متغیرها از منابعی چون مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، سازمان ملی جوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پیمایش ارزش‌های جهانی گردآوری شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

روش اول (تحلیل ثانویه داده‌های دست دوم)؛ داده‌های دست دوم داده‌های خامی هستند که قبلاً شخص دیگری با هدف مشخص مثل سرشماری‌های دولتی و سایر آمارهای رسمی گردآوری کرده است. هدف اصلی از جمع‌آوری چنین داده‌هایی با مقاصد و اهداف استفاده‌کنندگان ثانوی تفاوت دارند (بلیکی^۱، ۱۳۸۴: ۲۴۰). در این پژوهش داده‌های ۹ پیمایش در این سطح مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش دوم (تحلیل ثانویه داده‌های دست سوم)؛ داده‌های دست سوم داده‌هایی هستند که توسط پژوهشگری که آنها را تولید کرده یا تحلیل‌گر داده‌های ثانویه، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این حالت ممکن است دیگر داده‌های خام در دسترس نباشند، بلکه فقط نتایج این تحلیل‌ها در اختیار باشد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۴۰).

در تحقیق پیش‌رو از نتایج و جداول ۹ پیمایش ملی جهت انجام یک تحلیل ثانویه و یک مطالعه طولی کمک گرفته شده است.

روش آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل

داده‌های تحقیق پیش‌گفته از چند پیمایش ملی مختلف جمع‌آوری گردیده و با توجه به جامعه آماری تحقیق، فقط محدوده سنی جوانان را مدنظر قرار گرفته است. به این علت که در هر پیمایش سؤالات به‌گونه‌ای متفاوت از پیمایش‌های دیگر طرح شده بودند و دارای گزینه‌های متفاوتی نیز بوده‌اند (برخی گویه‌ها تنها دارای گزینه بلی و خیر و برخی چهار جوابی و پنج گزینه‌ای و بیشتر بوده‌اند)، جهت یکدست کردن گزارش و همچنین امکان مقایسه داده‌های سال‌های گوناگون و بررسی تحلیلی آنها داده‌ها به شیوه زیر هم جهت و مقیاس یافتند.

در گام نخست، «جهت» کلیه گویه‌های مورد استفاده در تحقیق یکسان شدند. در گام دوم، تنها داده‌های مربوط به جوانان ۳۰-۱۵ سال انتخاب شده‌اند. در مرحله بعدی، عدد مربوط به پاسخ هر گویه در ضریبی از ۱ (کمترین) تا π (بیشترین) ضرب شد. مثلاً اگر برای گویه‌ای همچون: «معمولاً چقدر از خدا می‌خواهید که در زندگی به شما کمک کند؟» ۵ پاسخ؛ اصلاً، به ندرت، بعضی وقت‌ها، زیاد، خیلی زیاد تنظیم شده باشد، درصدهای پاسخ‌های این گویه به ترتیب از کمترین (اصلاً) به بیشترین (خیلی زیاد) در اعداد ۱ تا ۵ ضرب شده‌اند. سپس حاصل جمع درصدها (که در ضریب‌ها ضرب شده است) بر عدد ۱۰۰ تقسیم شدند.

در نهایت برای امکان مقایسه نمرات متغیرهای تحقیق و سهولت در گزارش و فهم این نمرات، همه شاخص‌ها در این تحقیق بین صفر تا صد مقیاس یافته‌اند.^۱ در قسمت توصیفی تحقیق و طراحی نمودارها پس از تبدیل داده‌ها به نمره صفر تا صد طبق فرایند فوق سپس میانگین هر شاخص در هر سال محاسبه و به‌عنوان نمره آن سال حساب شده است. سپس فرایند آن در طی زمان (برحسب داده‌های موجود برای هر شاخص) بررسی گردیده است.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت به بررسی تحولات انواع هویت جوانان از سال ۱۳۵۳ تاکنون خواهیم پرداخت. اگر برای برخی مفاهیم یا برای برخی از سال‌ها عدد وجود ندارد به دلیل آن است که گویه مناسبی که همخوان با سایر گویه‌های سال‌های دیگر باشد برای آن سال وجود نداشته است. در نمودارها ممکن است مشاهده شود که برای یک سال سه عدد وجود دارد. دلیل آن این است که در سال‌هایی مثل ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ در هر سال دو یا سه کار ملی صورت گرفته است. لذا ما تحقیقات را در این سال‌ها بر حسب ماه‌های اجرا و جمع‌آوری اطلاعات رتبه بندی کردیم.^۲ برای تبیین نظری روند تغییرات انواع هویت در طول ۴ دهه اخیر، دو نوع رویکرد می‌توان داشت:

نخست اینکه شاخص‌ها و معرف‌هایی که برای سنجش هرکدام از انواع هویت‌ها در هر یک از پیمایش‌های ملی استفاده شده است را یکسان فرض کنیم و لذا برای تبیین و توضیح تغییرات هویت در طول زمان، فقط به عوامل اجتماعی عینی و ذهنی که در طول این سال‌ها اتفاق افتاده است رجوع کنیم.

۱.

$$s = \frac{x - \min}{\max - \min} \approx 100$$

X: نمره متغیر در مقیاس قبلی

S: نمره متغیر در مقیاس جدید

max: بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

min: کمترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

صورت کسر رابطه، تفاضل نمره متغیر و مقدار کمینه و مخرج کسر، تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه شاخص می‌باشند. بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌ای که هر متغیر به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ است (چلبی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

۲. مثلاً در سال ۸۴ تحقیقی را که در فروردین جمع‌آوری اطلاعاتش انجام گرفته است را (۱) ۱۳۸۴ و تحقیقی را که جمع‌آوری داده‌هایش در آبان‌ماه انجام شده (۲) ۱۳۸۴ و پیمایشی که در اسفندماه اجرا شده است را (۳) ۱۳۸۴ نامگذاری کرده‌ایم.

دوم اینکه با در نظر گرفتن تفاوت جزئیات شاخص‌های ساخته شده (چه توسط مجریان پیمایش‌ها و چه توسط محققانی که تحلیل ثانویه انجام می‌دهد)، ضمن در نظر گرفتن عوامل اجتماعی فوق‌الذکر، به عوامل کاهنده یا افزایش‌دهنده شاخص‌های هویت و مشارکت که در اثر تغییرات تعریف و شاخص‌سازی هویت در هریک از پیمایش‌ها به وجود آمده است، اشاره کنیم.

بر این اساس به تبیین و توضیح روند تغییرات انواع هویت بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ می‌پردازیم. توضیح اینکه از رویکردهای اول و دوم یادشده با عنوان «بدون تفاوت» و «با تفاوت» نام می‌بریم.

یافته‌های توصیفی مربوط به تحولات انواع هویت

در این قسمت به بررسی تحولات چهار گونه هویت در طول سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ خواهیم پرداخت.



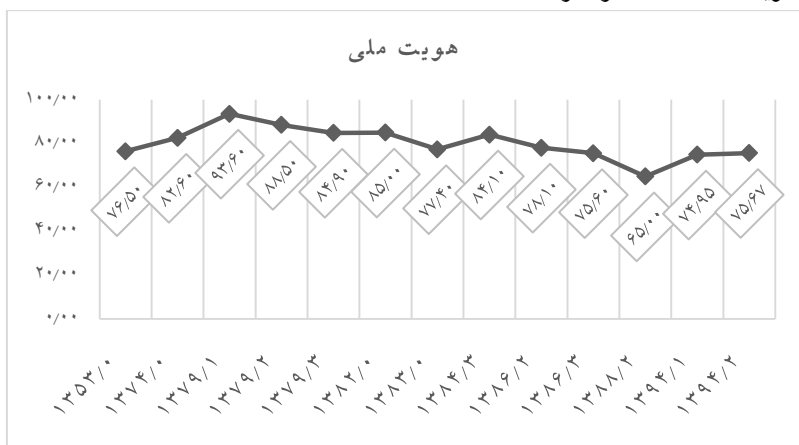
نمودار ۱. نیم‌رخ از میانگین انواع هویت

در شمایی کلی می‌توان دریافت که هویت مذهبی با میانگین ۸۳/۱۱ غالب‌ترین نوع هویت در این سال‌ها در جامعه ایرانی بوده است. پس از آن هویت ملی با میانگین ۸۰/۲۹ بیشترین گسترش را در جامعه ایران دارد. هویت قومی با ۵۳/۴۶ و همچنین هویت مدرن با ۵۲/۰۳ در رده‌های بعدی قرار دارند.^۱

۱. همان‌گونه که در قسمت روش ذکر شد تمام این نمرات بر حسب نمره استاندارد ۰ تا ۱۰۰ هستند.

هویت ملی

همان‌گونه که گفته شد این هویت دارای میانگین ۸۰/۲۹ در جامعه ایران است. حداقل نمره این نوع هویت ۶۵ و حداکثر نمره آن ۹۳ است.



نمودار ۲. تحولات هویت ملی

بدون تفاوت:

به نظر می‌رسد که افزایش هویت ملی از سال ۵۳ تا ۷۴ برای جامعه‌ای که در این بازه یک انقلاب ملی و یک جنگ تمام عیار خارجی را تجربه کرده و آثار همبستگی و اراده ملی را مشاهده نموده است، طبیعی است؛ و حتی اگر این شاخص در سال‌های قبل از ۷۴ (مثل سال‌های آغاز انقلاب یا زمان جنگ) اندازه‌گیری می‌شد، شدت بیشتری را نسبت به قبل انقلاب نشان می‌داد.

اما جهش صعودی این شاخص در سال ۷۴ و ۷۹ را می‌توان تا حد بالایی به دلیل وجود انتخابات دوم خرداد ۷۶ در این بازه دانست که در آن به دلیل همبستگی بالایی که بین مردم در جریان انتخابات به وجود آمد و نیز برآمدن دولتی که مردم آن را ناشی از اراده خود می‌دانستند، هویت ملی افزایش چشمگیری یافته است. در سال ۷۹ یعنی سال دوم دولت اصلاحات - که به دنبال پیروزی اصلاح طلبان در مجلس ششم در اسفند ۷۸ دوران اوج خود را می‌گذراند - میزان شاخص هویت ملی به بالاترین میزان خود در این بازه سی و چند ساله رسیده است. به دنبال افول جریان اصلاحات در سال‌های بعد و موانعی که بر سر تحقق مطالبات آن به وجود آمد (مانند توقیف گسترده مطبوعات در سال ۷۹ و موج دستگیری فعالان مدنی، مطبوعاتی و سیاسی و ...) و ناامیدی حاصل از این جریانات، میزان هویت ملی نیز رو به افول گذارد

تاجایی که در آخرین سال دولت اصلاحات (۱۳۸۳) به کمترین میزان در سه دهه قبل خود می‌رسد و اگرچه در سال ۸۴ و به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم و تب و تاب ناشی از آن، این شاخص کمی افزایش می‌یابد اما این روند نزولی همچنان ادامه می‌یابد به طوری که در سال ۸۸ به پایین‌ترین حد خود در ۳۵ سال اخیر (حتی کمتر از قبل انقلاب) می‌رسد. نکته قابل توجه آن است که در سال ۸۸ سنجش هویت ملی در مرداد آن سال یعنی بعد از حوادث انتخابات ریاست جمهوری انجام شده است که می‌توان این سقوط را تا حد زیادی از تبعات آن حوادث دانست. به زعم محقق اگر این شاخص در قبل و حین انتخابات اندازه‌گیری می‌شد، قطعاً میزان بالاتری را نشان می‌داد. در سال ۹۴ با فروکش کردن تب و تاب حوادث سال ۸۸ و با روی کار آمدن دولت اعتدال و مذاکره و تعامل با کشورهای جهان میزان هویت ملی افزایش می‌یابد و به مقدار میانگین خود در طول این ۴۰ سال نزدیک می‌شود.

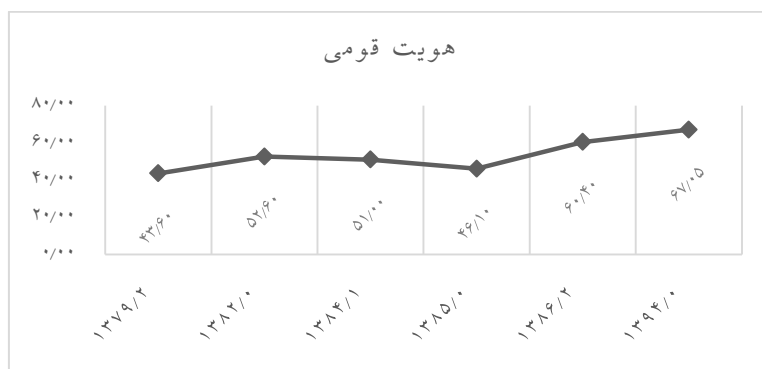
با تفاوت:

با در نظر گرفتن تفاوت میان اجزای سازنده شاخص هویت ملی در پیمایش‌های گوناگون نیز می‌توان برخی از تغییرات آن را در سال‌های مختلف توضیح داد. مثلاً در سال ۷۹ سه پیمایش ملی انجام شده است که در هر کدام میزان شاخص هویت ملی نسبت به پیمایش قبل آن کاهش یافته است. بخشی از عوامل این سیر نزولی را می‌توان به زیاد شدن گویه‌های تشکیل دهنده هویت ملی در پیمایش سوم ۷۹ نسبت به پیمایش اول آن دانست. در حالیکه در پیمایش‌های اول و دوم شاخص هویت ملی را تنها با گویه «افتخار به ملیت» سنجیده‌اند (که معمولاً درصد بالایی از افراد به آن نمره بالایی می‌دهند). این شاخص در پیمایش سوم ۷۹ با ۱۰ گویه ساخته شده که اگرچه دقت سنجش را بالا می‌برد، اما نمره کل شاخص را پایین می‌آورد. مثلاً گویه‌های «تعلق خاطر من به کشورم به عملکرد حکومت‌ها ربطی ندارد...»، «تمدن ایرانی در مواجهه با سایر تمدن‌ها حرف زیادی برای گفتن دارد...» و «من زندگی در ایران را به هر جای دیگری ترجیح می‌دهم» لزوماً به اندازه افتخار به ملیت نمره بالایی نمی‌گیرند. همین استدلال را می‌توان برای پایین بودن این شاخص در سال ۸۳ نسبت به سال‌های قبل و بعد آن (۸۲ و ۸۴) نیز به کار برد. همچنین علاوه بر این، تفاوت‌های جامعه آماری نیز بر تفاوت میزان شاخص‌ها تأثیر گذاشته است. مثلاً در حالی که جامعه آماری پیمایش‌های ۸۲ و ۸۴، کل شهرها و روستاهای کشور بوده، پیمایش ۸۳ تنها در مراکز استان‌ها انجام شده است و از آنجا که معمولاً نارضایتی‌ها و فاصله بین انتظارات و داشته‌ها در شهرهای بزرگ بیشتر است، میزان این شاخص نیز در این سال از سال‌های قبل و بعد آن کمتر شده است. در پیمایش‌های سال ۹۴ به خصوص پیمایش دوم ارزش‌ها و نگرش‌ها ایرانیان که بخش از طرح به‌طور ویژه

اختصاص به هویت ملی دارد و سؤالات از جنبه‌های مختلف به هویت ملی می‌پردازد. همچنین نمونه انتخابی تمام جامعه ایران (شهری و روستایی) را شامل می‌شود، نمره هویت ملی به میانگین خود در این چهل سال نزدیک‌تر است.

هویت قومی (قوم گرایی)

این هویت دارای میانگین ۵۳/۴۶ در جامعه ایران است. حداقل نمره این نوع هویت ۴۳/۶۰ و حداکثر نمره آن ۶۷/۰۵ است.



نمودار ۳. تحولات هویت قومی

بدون تفاوت:

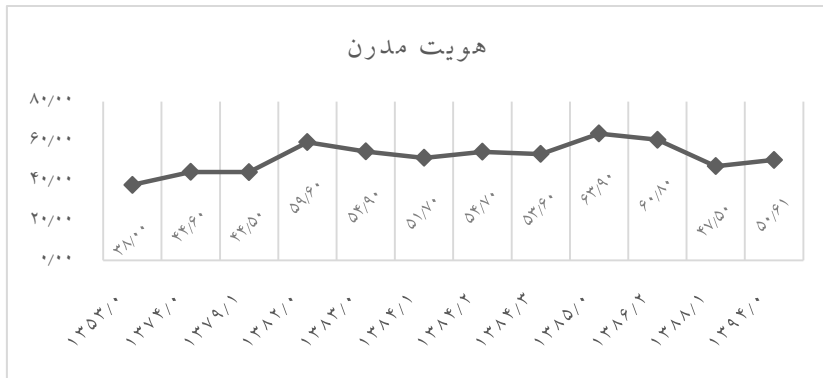
روند تغییرات هویت قومی نشان می‌دهد که این شاخص از سال ۷۹ تا ۸۵ تقریباً با فراز و نشیب محدود، سیر ثابتی داشته است. اما از سال ۸۶ به بعد، این شاخص روند جهشی داشته است که سیاست‌های داخلی دولت و نیز تحولات منطقه‌ای و شدت یافتن تحرکات قومی (مانند کردستان و سیستان و بلوچستان) را به‌عنوان عامل آن می‌توان محتمل دانست.

با تفاوت:

اگر تفاوت گویه‌های تشکیل دهنده شاخص در سال‌های مختلف را مبنای تفاوت بگیریم باید گفت تقریباً در تمام پیمایش‌های قبل از ۸۶، یک یا دو گویه‌های تشکیل دهنده هویت قومی مربوط به نوع برخورد حکومت با اقوام یا ادیان مختلف است؛ که طبیعی است در صورتی که افراد از عملکرد حکومت در این زمینه ناراضی باشند نمره شاخص پایین خواهد آمد. در سال پیمایش سال ۹۴ هویت قومی با سؤالاتی نظیر افتخار به هویت قومی خود و صحبت با زبان محلی سنجیده شده‌اند و طبیعی است که نمره این هویت افزایش یابد.

هویت مدرن

این هویت دارای میانگین ۵۲/۰۳ در جامعه ایران است. حداقل نمره این نوع هویت ۳۸ و حداکثر نمره آن ۶۳/۹ است.



نمودار ۴. تحولات هویت مدرن

بدون تفاوت:

می‌توان گفت میزان هویت مدرن، پس از شیب ملایمی در طول بیش از ۲۵ سال (از سال ۵۳ تا ۷۹)، پس از این دوره با جهش زیادی مواجه شده است و این روند با فراز و نشیب نسبی تا سال ۸۶ حفظ شده است. عامل این امر را می‌توان نفوذ گفتمان مدرن جریان اصلاحات در بدنه جامعه بر اثر فعالیت‌های مدنی، مطبوعاتی، سیاسی و... همچنین افزایش ضریب نفوذ رسانه‌های غربی و جهانی (اینترنت و ماهواره) دانست.

با تفاوت:

گویه‌های تشکیل دهنده شاخص هویت مدرن در سال‌های مختلف تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. در حالی که بعضی از آنها از بیش از ۱۰ گویه ساخته شده‌اند برای ساخت برخی دیگر به ۳ یا حتی ۱ گویه اکتفا شده است. بدیهی است که این تفاوت، دقت سنجش را تحت تأثیر قرار داده و بر نتایج حاصله تأثیر می‌گذارد.

در سال ۸۴ و پس از افزایش نسبی هویت مدرن تا قبل از آن، میزان این شاخص کاهش نسبی را نشان می‌دهد که آن را می‌توان به اجزای تشکیل دهنده این شاخص در هر سه پیمایش که در سال مذکور انجام شده‌اند مرتبط دانست. در پیمایش اول و دوم این شاخص تنها از یک گویه ساخته شده که در یکی از آنها به متغیر تقدیرگرایی و در دیگری به آزادی بیان و نشر عقاید برای سایر ادیان پرداخته شده است. در پیمایش سوم نیز اگرچه این شاخص از ۶ گویه

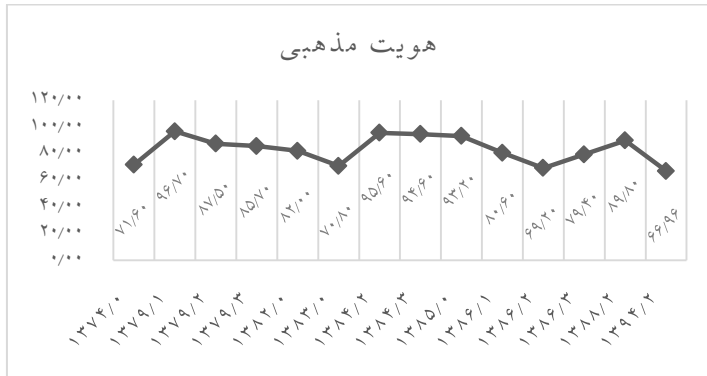
ساخته شده اما در آن گویه‌های کاهنده‌ای مثل «خود را شهروند جهانی دانستن» به چشم می‌خورد که میزان این شاخص را پایین می‌آورد. توضیح آنکه برای مردم جامعه ایران احتمالاً مدرن بودن و مدرن شدن با معرف‌هایی همچون «شهروند جهانی» یا «اقتدار سازمان‌های جهانی» و امثال آن شناخته نمی‌شود.

به هر حال این شاخص در سال ۸۵ دوباره رشد می‌کند. نگاهی به ۳ گویه تشکیل دهنده این شاخص در پیمایش ۸۵ نشان می‌دهد که غیر از گویه‌ای که در مورد اعتقادات مذهبی (دخیل بستن) است، دو گویه دیگر چندان چالش برانگیز نیستند و هر دو احتمالاً نمره بالایی را در پاسخ‌های افراد کسب می‌کنند.

متعاقب آن در سال ۸۶ مجدداً این شاخص، کمی کاهش داشته است. بررسی گویه‌های این سال نشان می‌دهد که در میان آن مواردی مانند «برایم مهم است عضو جامعه جهانی باشم تا ایران» و «مسائل و مشکلات کشورهای دیگر به اندازه مسائل و مشکلات ایران برایم اهمیت دارد» به همان دلایلی که پیشتر آمد، میزان این شاخص را نسبت به پیمایش ۸۵ کاهش داده‌اند. اما از سوی دیگر شاخص هویت مدرن در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در مجموع نسبت به تمامی پیمایش‌های قبل از خود بالاتر است که احتمالاً تفاوت جامعه آماری این دو پیمایش با بقیه، در این افزایش نسبی بی‌تأثیر نیست. در حالی که جامعه آماری این دو پیمایش تنها مراکز استان‌ها هستند، جامعه آماری عمده پیمایش‌های دیگر، کل مناطق شهری و روستایی هستند و طبیعی به نظر می‌رسد که میزان هویت مدرن در شهرهای بزرگ مقدر بالاتری را به خود اختصاص دهد. در مورد سقوط یکباره میزان شاخص هویت مدرن در سال ۸۸ و ۹۴، که برخلاف انتظار روند افزایشی پیشین است، نیز می‌توان علاوه بر تفاوت‌هایی که بر اثر خطاهای سیستماتیک و تصادفی در جریان نمونه‌گیری تحقیق رخ می‌دهد و نیز اینکه جامعه آماری آن تمام مناطق شهری و روستایی است (و این عامل کاهنده به شمار می‌رود)، این مسأله را ذکر کرد که گویه‌های این پیمایش تنها شامل دو مورد است که هردو مربوط به نگرش به زنان هستند و می‌توان اینگونه توضیح داد که احتمالاً نگرش جامعه در مورد زنان نسبت به سال‌هایی مانند ۷۴ و ۷۹ (که گویه‌های آن‌ها نیز تماماً مربوط به نگرش به زنان هستند) چندان تغییری نکرده است. بدیهی است که شاخص هویت مدرن در سال ۸۸ و ۹۴ تنها همین جنبه از این مفهوم را به ما می‌نمایاند.

هویت مذهبی

این هویت دارای میانگین ۸۳/۱۱ در جامعه ایران است. حداقل نمره این نوع هویت ۶۶/۹۶ و حداکثر نمره آن ۹۶/۷ است.



نمودار ۵. تحولات هویت مذهبی

بدون تفاوت:

هویت مذهبی یکی از دیرپاترین و پررنگ‌ترین انواع هویت‌های ایرانیان است که قرن‌ها با جامعه ایرانی همراه بوده است. اگرچه از یک منظر کلی می‌توان به موازات افزایش هویت مدرن و رشد ارزش‌های سکولار در جامعه، میزان هویت مذهبی را رو به کاهش پیش‌بینی کرد، اما مشاهده روند تغییرات این هویت در یک دوره ۲۱ ساله (۷۴ تا ۹۴) نشان می‌دهد که این روند را نمی‌توان از این منظر توضیح داد و باید برای این منظور به دنبال عوامل دیگری گشت. نیز توجه به این نکته که دامنه تغییرات این شاخص در دوره مزبور زیاد نبوده است، ما را برای تبیین این تغییرات به سمت توجه به تفاوت‌های بین شاخص‌های سنجش این هویت در پیمایش‌های مختلف سوق می‌دهد.

با تفاوت:

در سال ۷۴ میزان هویت مذهبی را تنها با گویه‌های معرف تقدیرگرایی سنجیده و آن را معادل هویت مذهبی قلمداد کرده‌اند، در این صورت افرادی که میزان تقدیرگرایی آنها کم است دارای هویت مذهبی پایین محسوب می‌شوند. طبیعی است که این مسأله بسیاری از دینداران را از دایره افراد با هویت مذهبی خارج کرده و نمره این شاخص را پایین می‌آورد. بالعکس در پیمایش اول ۷۹، میزان هویت مذهبی تنها با گزینه‌های اعتقادی اساسی مانند اعتقاد به خدا و معاد و... سنجیده شده است و طبیعی است که افراد در جامعه مذهبی به این گویه‌ها نمره

بالایی بدهند و لذا شاخص کل بالا می‌رود. در پیمایش دوم ۷۹، اگرچه همچنان گویه‌های اعتقادی آمده است اما بنظر می‌رسد گویه‌هایی مثل «چقدر خود را مذهبی می‌دانید؟» یا «چقدر به خدا نزدیک می‌شوید؟» که پاسخ آن به میزان تواضع و خودپنداره فرد نیز بستگی دارد، میزان این شاخص را کمی کاهش داده است. همین موضوع درباره پیمایش سوم که گویه «وجود خدا نیازی به استدلال ندارد» در آن آمده است نیز صدق می‌کند چرا که یک فرد دیندار ممکن است چنین پندارد که برای اثبات وجود خدا می‌توان بهترین استدلال‌ها را ارائه کرد و لذا به این گویه نمره پایینی بدهد. پیمایش‌های ۸۲ و ۸۳ نیز شامل گویه‌های «مذهبی دانستن خود» و «افتخار به مسلمانی» هستند که کاهش آنها مشمول همان استدلال پیشین می‌شود. قوت استدلال‌های فوق موقعی بیشتر نمایان می‌شود که مشاهده کنیم در پیمایش‌های دوم و سوم ۸۴ و پیمایش ۸۵ به دلیل اینکه تنها از گویه‌های اعتقادی یا معرف‌هایی مثل «نیاز به خدا» و «نیاز به کمک او» استفاده شده است، نمره شاخص هویت مذهبی مجدداً (مانند پیمایش اول ۷۹) بالا رفته است و بالعکس در ۳ پیمایش ۸۶ که دوباره گویه «چقدر مذهبی هستید؟» اضافه شده، میزان شاخص کل کاهش یافته و در پیمایش دوم ۸۸ با حذف این گویه مجدداً شاهد افزایش میزان شاخص هویت مذهبی هستیم. ضمن اینکه در پیمایش دوم ۸۶ که پایین‌ترین میزان شاخص را در سال‌های قبل و بعد خود دارد، گزینه‌ای با مضمون «توانایی قوانین مذهبی برای حل مسائل امروز» وجود دارد که با توجه به افزایش هویت مدرن و ارزش‌های سکولار در جامعه (که اتفاقاً در همین پیمایش نمره بالایی گرفته است) این گویه شدیداً کاهنده محسوب می‌شود. همچنین این نکته را نیز در مورد جامعه آماری پیمایش‌های مورد بررسی می‌بایست اضافه کرد که شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها، هویت مذهبی پایین‌تری از خود بروز می‌دهند. برای مثال جامعه آماری پیمایش‌هایی که بالاترین میزان هویت مذهبی را نشان داده‌اند (پیمایش اول ۷۹ و دوم و سوم ۸۴) کلیه مناطق شهری و روستایی کشور بوده‌اند و بالعکس ۳ پیمایشی که پایین‌ترین میزان هویت مذهبی را گزارش کرده‌اند (پیمایش‌های ۷۴، ۸۳ و پیمایش دوم ۸۶) همگی مراکز استان‌ها را به‌عنوان جامعه آماری خود برگزیده‌اند. در مورد سال ۹۴ که پایین‌ترین میزان هویت مذهبی را در ۲۱ سال اخیر به خود اختصاص داده ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در سنجش هویت در این سال علاوه بر گویه‌های اعتقادی از گویه‌های مناسکی همچون تلاوت قرآن، نماز خواندن و روزه گرفتن، شرکت در مجالس روضه و زیارت اماکن متبرکه نیز استفاده شده است که احتمالاً باعث کاهش میزان هویت در این سال شده است. می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نتایج پیمایش‌های سال‌های گذشته و مقایسه آن‌ها با پیمایش ۹۴، میزان دینداری مردم در بعد مناسکی کاهش یافته و اگر این بعد را جزئی از شاخص هویت و خودپنداره مذهبی فرد در نظر

بگیریم، می‌توان گفت مردم در این سال نسبت به سال‌های پیش از آن (به دلیل همین کاهش) کمتر خود را مذهبی می‌دانند.

یافته‌های تبیینی

این بخش به بررسی روابط میان گونه‌های هویت خواهد پرداخت. نکته مهم در این قسمت آن است که برای هر فرضیه بر حسب وجود داده‌های دست دوم و سوم اقدام به تحلیل می‌ماییم. یعنی ابتدا اگر برای فرضیاتی داده مناسب دست دوم (در فایل Spss) وجود داشته، بر مبنای آن به بررسی معناداری فرضیات پرداخته شده است. در گام دوم براساس داده‌های دست دوم و دست سوم به بررسی هم تغییر انواع هویت با یکدیگر با استفاده از نمودار اقدام شده است.

فرضیه: میان هویت ملی با هویت مدرن رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه داده‌های مناسبی در سه پیمایش وجود دارد. به این علت که برای هر کدام از متغیرها در این سال‌ها چند گویه وجود دارد. لذا اقدام به ساخت شاخص برای هر گویه نمودیم و بر این اساس امکان بررسی رابطه این دو شاخص در سطح فاصله‌ای مقدور گردید. در گام بعد برای انتخاب نوع آزمون، وضعیت نرمال بودن متغیرها به وسیله آزمون کولموگروف اسمیرنوف سنجش شد. خطای مربوط به هر دو متغیر در هر سه پیمایش کمتر از پنج صدم بوده است و بیانگر این است که توزیع این متغیر دارای حالت نرمال نیست. بنابراین، برای بررسی فرضیه فوق براساس داده‌های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۱. جدول همبستگی بین میزان هویت ملی با هویت مدرن

سال	متغیر	متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۱۳۷۹ (الف)	هویت ملی	هویت مدرن	-۰/۰۶۰	۰/۰۰۵
۱۳۸۴ (ج)	هویت ملی	هویت مدرن	۰/۰۶۷	۰/۰۰۷
۱۳۸۶ (الف)	هویت ملی	هویت مدرن	-۰/۰۵۴	۰/۱۴۴

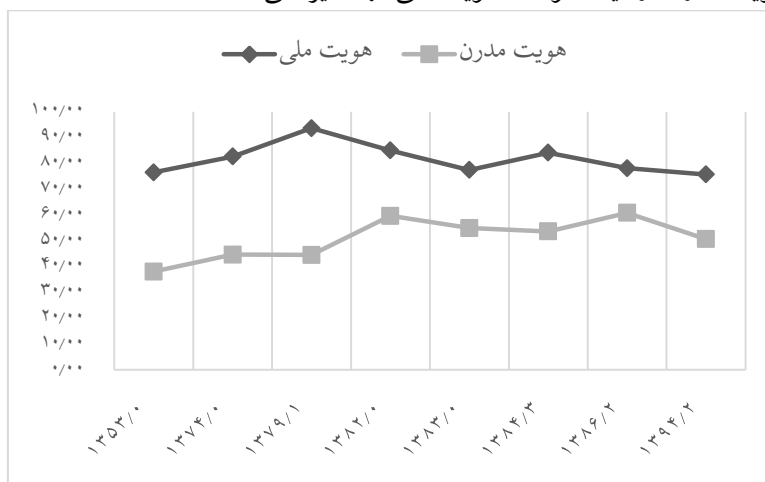
نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مدرن در میان جوانان در سال ۷۹ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معکوس و معنادار اما در حد ضعیف

۱. نخستین مورد مربوط به پیمایش انجام گرفته توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (آزاد ارمنی) در سال ۱۳۷۹ با عنوان «بخش تکمیلی ارزش‌های جهانی» است، دومین داده‌های مناسب مربوط به موج دوم پیمایش ارزش‌های جهانی است که در سال ۱۳۸۴ توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان انجام گرفته است و سومین داده‌ها مربوط به طرح ملی بررسی تحلیلی هویت قومی و ملی مردم ایران سال ۱۳۸۶ حاجیانی است.

است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مدرن آنها تاحدی پایین می‌آید و متقابلاً با افزایش هویت مدرن در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حدی پایین می‌آید.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مدرن در میان جوانان در سال ۸۴ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد ضعیف است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مدرن آنها تا حد کمی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مدرن در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حد کمی زیاد می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مدرن در میان جوانان در سال ۸۶ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معنادار نیست. بدین معنا که با افزایش یا کاهش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مدرن آنها تغییر نمی‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مدرن در میان جوانان، هویت ملی آنها تغییر نمی‌کند.



نمودار ۶. رابطه هویت ملی و هویت مدرن

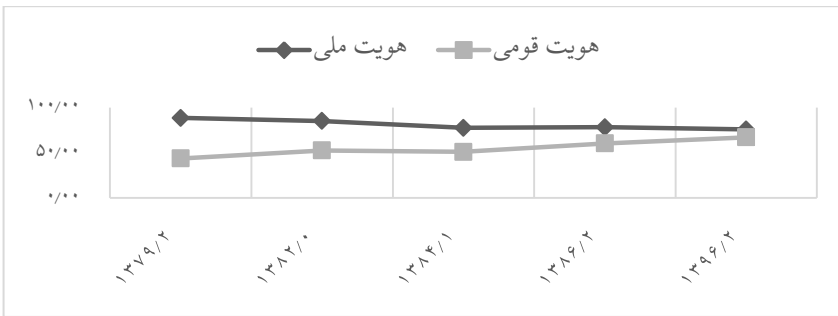
نمودار شماره ۶ نیز یافته‌های تحلیلی تحقیق را به خوبی در طول زمان نشان می‌دهد. در نمودار فوق مشاهده می‌کنیم که گاهی این دو هویت به صورت مستقیم با هم تغییر می‌کند و هر دو زیاد و و یا کم می‌شوند، اما در سال‌هایی به عکس یکی از آنها کم و دیگری زیاد می‌شود و گاهی یکی از آنها کاهش و یا افزایش می‌یابد و دیگری تغییر نمی‌کند. به طور کلی بر حسب یافته‌های تحلیلی و نمودار ترسیم شده می‌توان استنباط کرد به‌رغم وجود همبستگی‌های ضعیفی در یافته‌های سال‌های ۷۹ و ۸۴ میان این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه: میان هویت ملی با هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس داده های طرح ملی بررسی تحلیلی هویت قومی و ملی مردم ایران (حاجیانی، ۱۳۸۶) می توان شاخص هایی مناسب برای این دو متغیر ساخت. بنابراین برای بررسی فرضیه فوق براساس داده های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده^۱ که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۲. جدول همبستگی بین میزان هویت ملی با هویت قومی

سال	متغیر	متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۱۳۸۶	هویت ملی	هویت قومی	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت قومی در میان جوانان در سال ۸۶ نشان می دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت قومی آنها تا حدی افزایش می یابد و متقابلاً با افزایش هویت قومی در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حدی، زیاد می شود.



نمودار ۷. رابطه هویت ملی و هویت قومی

براساس نمودار شماره ۷ می توان مشاهده کرد از سال ۸۲ به بعد این دو شاخص با یکدیگر هم تغییری مستقیم هر چند ضعیفی را نشان می دهند. هر چند پیش از این سال رابطه معکوس ضعیفی با یکدیگر داشته اند.

۱. به این علت که، این شاخص های ساخته شده براساس داده های این سال از نوع فاصله ای به حساب می آیند؛ برای انتخاب نوع آزمون، وضعیت نرمال بودن متغیرها به وسیله آزمون کولموگروف اسمیرنوف سنجش شد. چون خطای مربوط به هر دو متغیر کمتر از پنج صدم بوده است، پس بیانگر این واقعیت است که توزیع این متغیر دارای حالت نرمال نیست. بنابراین برای سنجش فرضیه از ضریب اسپیرمن استفاده می کنیم.

فرضیه: میان هویت ملی با هویت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه داده‌های مناسبی در چهار پیمایش وجود دارد^۱. براساس گویه‌های سنجیده شده در این پیمایش‌ها می‌توان شاخص‌هایی مناسب برای این دو متغیر ساخت. چون این شاخص‌های ساخته شده براساس داده‌های این سال‌ها از نوع فاصله‌ای به حساب می‌آیند^۲. بنابراین برای بررسی فرضیه مزبور براساس داده‌های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۳. جدول همبستگی بین میزان هویت ملی با هویت مذهبی

سال	متغیر	متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۱۳۷۹ (الف)	هویت ملی	هویت مذهبی	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰
۱۳۸۴ (ج)	هویت ملی	هویت مذهبی	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
۱۳۸۶ (الف)	هویت ملی	هویت مذهبی	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰
۱۳۸۸ (ب)	هویت ملی	هویت مذهبی	۰/۲۹۲	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۷۹ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تا حدی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حدی افزایش می‌یابد.

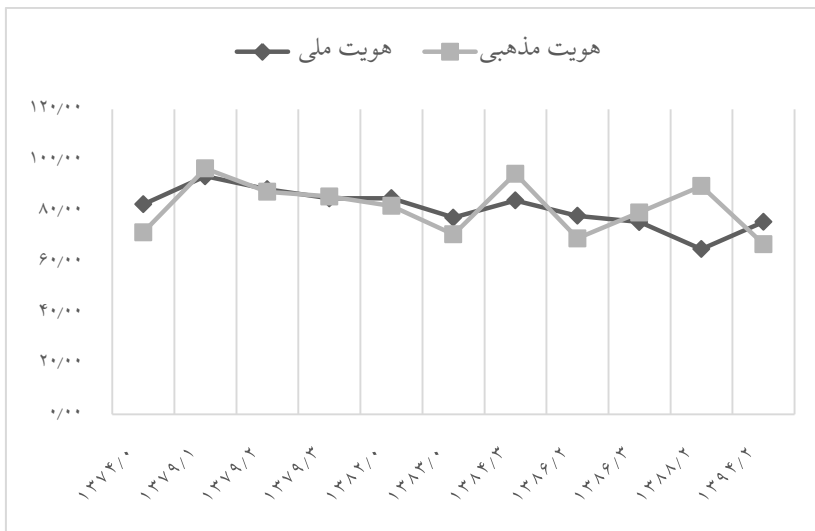
نتایج در میان جوانان در سال ۸۴ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر، مستقیم و معنادار و در حد متوسط است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تا حدی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت ملی آنها نیز تا حدی زیاد می‌شود.

۱. نخستین پیمایش پژوهش (دکتر آزاد) در سال ۱۳۷۹ با عنوان «بخش تکمیلی ارزش‌های جهانی» است، دومین داده‌های مناسب مربوط می‌شود به موج دوم پیمایش ارزش‌های جهانی که در سال ۱۳۸۴، سومین پیمایش طرح ملی «بررسی تحلیلی هویت قومی و ملی مردم ایران» سال ۱۳۸۶ آقای دکتر حاجیانی و چهارمین داده‌های مناسب از پیمایش ملی «سنجش دینداری در ایران» که در سال ۸۸ انجام گرفته و کسب شده است.

۲. برای انتخاب نوع آزمون، وضعیت نرمال بودن متغیرها به وسیله آزمون کولموگروف اسمیرنوف سنجش شد. چون خطای مربوط به هر دو متغیر کمتر از پنج صدم بوده است پس بیانگر این واقعیت است که توزیع این متغیر دارای حالت نرمال نیست.

نتایج پیمایش در میان جوانان در سال ۸۶ نیز نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد قوی است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت ملی آنها نیز زیاد می‌شود.

همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۸۸ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار و در حد متوسط است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تا حدی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حدی زیاد می‌شود.



نمودار ۸. رابطه هویت ملی و هویت مذهبی

نمودار شماره ۸ نیز یافته‌های تحلیلی تحقیقی را به شکل رساتری نشان می‌دهد. براساس این نمودار هم تغییری مستقیم این دو شاخص در طی زمان مشخص است و نشان می‌دهد که با افزایش یا کاهش هویت ملی، هویت مذهبی هم افزایش یا کاهش می‌یابد. هر چند از سال ۸۶ این روند معکوس می‌شود.

فرضیه: میان هویت مدرن با هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه به تحلیل مجدد داده‌های دست دوم سه پیمایش خواهیم پرداخت^۱ که می‌توان براساس آن‌ها شاخص‌هایی مناسب برای این دو متغیر در سطح فاصله‌ای ساخت. بنابراین، برای بررسی فرضیه فوق براساس داده‌های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم.^۲

جدول ۴. رابطه هویت مدرن و هویت قومی قومیت

نتایج پس آزمون یومان ویتنی		میانگین	فراوانی	گروه قومی		متغیر مستقل متغیر وابسته
-۰/۹۲۹	Z	۳۸۲۴/۲۲	۳۶۲۹	فارس	۱۳۸۴ (الف)	هویت مدرن
۰/۳۵۳	Sig	۳۷۷۹/۷۸	۳۹۷۲	غیرفارس		
-۲/۷۲	Z	۱۱۶۸	۱۵۳۲	فارس	۱۳۸۴ (ب)	
۰/۰۰۶	Sig	۱۲۴۵	۸۶۰	غیرفارس		
-		سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	۱۳۸۵		
-		۰/۰۰۰	۰/۰۶۱			

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از کل نمونه ۷۶۰۱ نفری در سال ۸۴ (الف)، ۳۶۲۹ نفر فارس و ۳۹۷۲ نفر را غیرفارس تشکیل می‌دهند. مقایسه رتبه‌های فارس‌ها و غیرفارس‌ها نشان می‌دهد که غیرفارس‌ها دارای هویت مدرن بالاتری نسبت به فارس‌ها هستند. برای

۱. نخستین پیمایشی که داده‌های مناسبی برای این متغیرها دارد پیمایش «بررسی تمایل به مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴» است. دومین پیمایش که داده‌های مناسبی برای تحلیل دارد، پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی ایرانیان» است که در سال ۸۴ انجام گرفته است. در این دو پیمایش یک گویه ترتیبی برای هویت مدرن وجود دارد و یک گویه اسمی برای هویت قومی (این گویه اسمی چند وجهی تبدیل به یک گویه اسمی دو وجهی به عنوان فارس و غیرفارس شده است) وجود دارد به همین دلیل از آزمون U مان ویتنی برای تحلیل استفاده می‌شود؛ اما سومین داده‌های مناسب، داده‌های پیمایش ملی «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» که در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته است.

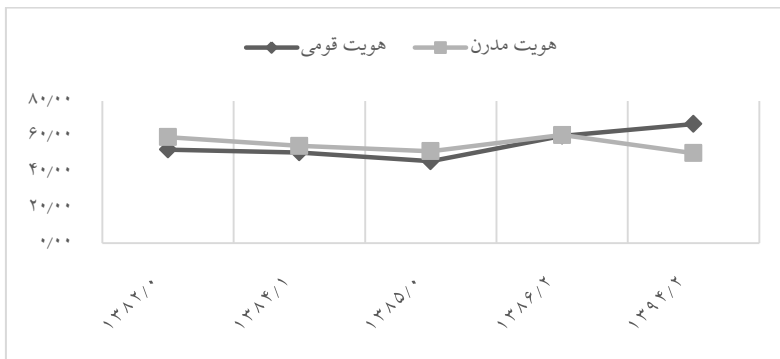
۲. به این علت که این شاخص‌های ساخته شده براساس داده‌های این سال از نوع فاصله‌ای به حساب می‌آیند؛ برای انتخاب نوع آزمون، وضعیت نرمال بودن متغیرها به وسیله آزمون کولموگروف اسمیرنوف سنجش شد. چون که خطای مربوط به هر دو متغیر کمتر از پنج صدم بوده است. پس بیانگر این واقعیت است که توزیع این متغیر دارای حالت نرمال نیست. بنابراین، برای سنجش فرضیه از ضریب اسپیرمن استفاده می‌کنیم.

بررسی معناداری این تفاوت به تحلیل نتایج پس‌آزمون یومان ویتنی می‌پردازیم. در جدول شماره ۴ با توجه به قدر مطلق نمره Z و همچنین میزان خطای به‌دست آمده ($\text{sig} = 0/353$) می‌توان استنباط کرد که قومیت‌ها (اعم از فارس و غیرفارس) تفاوت معناداری در میزان هویت مدرن ندارند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از کل نمونه ۲۳۹۲ نفری جوانان در پیمایش ۱۳۸۴ (ب)، ۱۵۳۲ نفر فارس و ۸۶۰ نفر را غیرفارس تشکیل می‌دهند. مقایسه رتبه‌های فارس‌ها و غیرفارس‌ها نشان می‌دهد که غیرفارس‌ها هویت مدرن بالاتری نسبت به فارس‌ها دارند.

برای بررسی معناداری این تفاوت به تحلیل نتایج پس‌آزمون یومان ویتنی می‌پردازیم. در جدول شماره ۴ با توجه به قدر مطلق نمره Z و همچنین میزان خطای به‌دست آمده ($\text{sig} = 0/006$) می‌توان استنباط کرد که در میان قومیت‌ها (فارس و غیرفارس) تفاوت معناداری در میزان هویت مدرن وجود دارد و غیرفارس‌ها به‌طور معناداری دارای گرایش بیشتری به هویت مدرن نسبت به فارس‌ها هستند.

همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت قومی و هویت مدرن در میان جوانان در سال ۸۵ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار و در حد ضعیف است. بدین معنا که با افزایش هویت قومی جوانان در ایران، هویت مدرن آنها تا حد کمی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مدرن در میان جوانان، هویت قومی آنها تا حد کمی، زیاد می‌شود.



نمودار ۹. رابطه هویت قومی و هویت مدرن

نمودار تغییرات این دو متغیر نیز نشان از آن دارد که در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ رابطه مستقیمی میان این دو هویت وجود دارد، به این صورت که با افزایش یکی از آنها دیگری نیز افزایش

می‌یابد. اما در سال‌های ۸۵ و ۸۶ و ۹۴ این رابطه معکوس می‌شود. بنابراین بر حسب یافته‌های تحلیلی و همچنین نمودار شماره ۹ می‌توان استنباط کرد که در کل این دو متغیر با یکدیگر رابطه معناداری ندارند.

فرضیه: میان هویت مدرن با هویت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه داده‌های مناسبی در چهار پیمایش وجود دارد^۱. براساس گویه‌های سنجیده شده در این پیمایش‌ها می‌توان شاخص‌هایی مناسب برای این دو متغیر ساخت. از آنجایی که این شاخص‌های ساخته شده براساس داده‌های این سال‌ها از نوع فاصله‌ای هستند^۲، برای بررسی فرضیه فوق براساس داده‌های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۵. جدول همبستگی بین میزان هویت مذهبی با هویت مدرن

سال	متغیر	متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۱۳۷۹ (الف)	هویت مدرن	هویت مذهبی	-۰/۰۰۲	۰/۹۴۷
۱۳۸۴ (ج)	هویت مدرن	هویت مذهبی	۰/۰۳۴	۰/۱۷۴
۱۳۸۴ (ب)	هویت مدرن	هویت مذهبی	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۰
۱۳۸۵	هویت مدرن	هویت مذهبی	-۰/۰۸۹	۰/۰۰۰

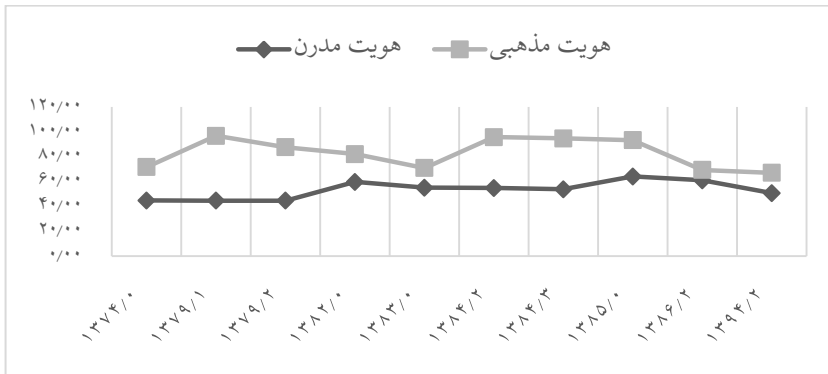
نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت مدرن و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۷۹ نشان می‌دهد که همبستگی این دو متغیر معنادار نیست. بدین معنا که افزایش یا کاهش هویت مدرن جوانان در ایران تأثیری بر هویت مذهبی آنها ندارد و متقابلاً کاهش یا افزایش هویت مذهبی در میان جوانان بر میزان هویت مدرن آنان ایران تأثیر معناداری ندارد.

۱. نخستین پیمایش پژوهش (آزاد ارمکی) در سال ۱۳۷۹ با عنوان «بخش تکمیلی ارزش‌های جهانی» انجام پذیرفت، دومین داده‌های مناسب مربوط می‌شود به موج دوم پیمایش ارزش‌های جهانی در سال ۱۳۸۴، سومین پیمایش طرح ملی «فرهنگ سیاسی ایرانیان» نیز در سال ۸۴ است و چهارمین داده‌های مناسب از پیمایش ملی «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» که در سال ۸۵ انجام گرفته، کسب شده است.
۲. برای انتخاب نوع آزمون، وضعیت نرمال بودن متغیرها به وسیله آزمون کولموگروف اسمیرنوف سنجش شد. چون خطای مربوط به هر دو متغیر کمتر از پنج صدم بوده، پس بیانگر این واقعیت است که توزیع این متغیر دارای حالت نرمال نیست.

نتایج در سال ۸۴ (ج) نیز نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معنادار نیست. بدین معنا که افزایش یا کاهش هویت مدرن جوانان در ایران تأثیری بر هویت مذهبی آنها ندارد و متقابلاً کاهش یا افزایش هویت مذهبی در میان جوانان بر میزان هویت مدرن جوانان ایران تأثیر معناداری ندارد.

نتایج تحقیق در میان جوانان در سال (ب) ۸۴ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر، معکوس و معنادار در حد ضعیف است. یعنی با افزایش هویت مدرن جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تا حدی پایین می‌آید و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت مدرن آنها تا حدی کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت مدرن و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۸۵ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معکوس و معنادار در حد ضعیف است. بدین معنا که با افزایش هویت مدرن جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تا حدی کاهش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت مذهبی در میان جوانان، هویت مدرن آنها تا حدی کم می‌شود.



نمودار ۱۰. رابطه هویت مدرن و هویت مذهبی

نمودار شماره ۱۰ نیز یافته‌های تحلیلی تحقیق را به خوبی در طول زمان نشان می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که گاهی این دو هویت به صورت مستقیم با هم تغییر می‌کنند و هر دو زیاد و یا کم می‌شوند، اما در سال‌هایی به عکس یکی از آنها کم و دیگری زیاد می‌شود و گاه یکی از آنها کاهش و افزایش می‌یابد و دیگری تغییر نمی‌کند. به طور کلی بر حسب یافته‌های تحلیلی و نمودار ترسیم شده می‌توان استنباط کرد به‌رغم وجود همبستگی‌های ضعیفی در یافته‌های سال‌های ۸۴ و ۸۵ میان این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه: میان هویت قومی با هویت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه در دو پیمایش ملی داده لازم وجود دارد. نخستین پژوهش، پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی ایرانیان» است، که در آبان ماه سال ۸۴ انجام شده است؛ داده‌های مربوط به هویت مذهبی در این پیمایش در سطح فاصله‌ای است که تفاوت آن در میان دو گروه فارس و غیرفارس بررسی می‌شود. برای بررسی فرضیه فوق از آزمون T برای گروه‌های مستقل استفاده می‌کنیم. دومین پیمایش طرح ملی «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» در سال ۸۵ است، که می‌توان می‌توان شاخص‌هایی مناسب در سطح فاصله‌ای برای این دو متغیر ساخت. برای بررسی فرضیه فوق براساس داده‌های این سال از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم.

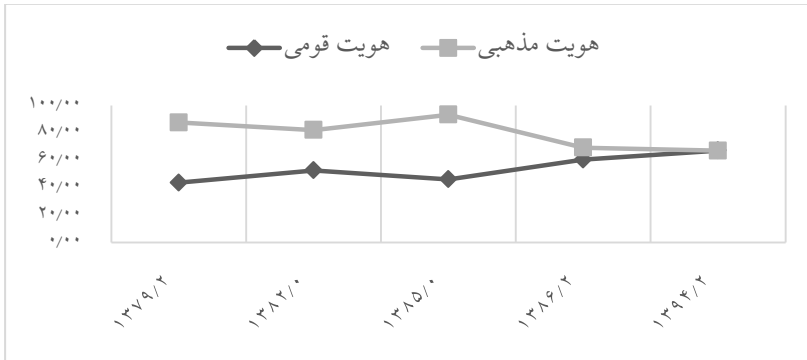
جدول ۶. جدول همبستگی بین میزان هویت مذهبی با هویت قومی

نتایج آزمون		میانگین	فراوانی	گروه قومی		متغیر مستقل متغیر وابسته
sig	t	۴۶۴/۱۶	۱۶۲۴	فارس	۱۳۸۴ (ب)	هویت مذهبی
۰/۰۵۶	۱/۸۹	۴۵۹/۶۹	۹۴۶	غیرفارس		
-		سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	۱۳۸۵		
-		۰/۴۴۶	-۰/۰۱۱			

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق می‌توان دریافت که در سال ۸۴ میانگین میزان هویت مذهبی بین فارس‌ها در حدود ۴۶۴/۱۶ با انحراف معیار ۱/۳۶ و میانگین میزان هویت مذهبی در بین غیرفارس‌ها در حدود ۴۵۹/۶۹ با انحراف معیار ۱/۹۲ سنجیده شده است. مقدار آماره t در حدود ۱/۸۹ با درجه آزادی ۱۸۶۲ تعیین شده است که در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار نیست زیرا سطح معناداری آزمون t بیشتر از ۰/۰۵ (۰/۰۵۶ = sig) تعریف می‌شود. بدین معنی که تفاوت میانگین میزان هویت مذهبی بین فارس‌ها و غیرفارس‌ها معنادار نیست.

۱. چون یکی از متغیرهای مورد بررسی (هویت قومی) در سطح فاصله‌ای و یکی دیگر (هویت مذهبی) در سطح رتبه‌ای است. لذا از ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی این فرضیه در این سال استفاده می‌کنیم

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت قومی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۸۵ نیز نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معنادار نیست. بدین معنا که با افزایش یا کاهش هویت قومی جوانان در ایران، هویت مذهبی آنها تغییری نمی‌کند و همچنین با افزایش یا کاهش هویت مذهبی جوانان در ایران، هویت قومی آنها تغییری نمی‌کند.



نمودار ۱۱. رابطه هویت قومی و هویت مذهبی

هرچند یافته‌های تحلیلی عدم رابطه معنادار میان هویت قومی و هویت مذهبی را نشان می‌دهند، اما نمودار ترسیم شده رابطه معکوسی را میان این دو نوع هویت آشکار می‌کند. در نمودار فوق مشاهده می‌شود با کاهش هویت مذهبی، هویت قومی افزایش می‌یابد و با افزایش هویت قومی، هویت مذهبی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

این کار تحقیقی برآن بود تا به بررسی وضعیت شاخص‌ها و تحولات هویت جوانان در ایران بپردازد و با در نظر گرفتن سیر زمانی این تحولات در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۵۳، جویای تغییرات ابعاد مختلف هویت قشر جوان کشور شود. همچنین رابطه ابعاد هویت با یکدیگر تا حد امکان مورد بررسی تجربی قرار گرفت.

اهمیت کاربردی انجام این تحقیق نیز به اهمیت مساله توجه به شاخص‌ها و سیر تحولات هویت‌های مختلف در جامعه ایران و به خصوص در میان لایه‌های جوان جمعیت مرتبط می‌شود. جامعه ما امروز در وضعیتی قرار دارد که می‌تواند آن را وضعیت گذار نامید و در این شرایط به‌طور طبیعی با برخی از اختلالات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مواجه است. از جمله جلوه‌های نابسامانی‌های اجتماعی، دگرگونی هویتی جوان ایرانی و کاهش

مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف جامعه است؛ لذا ضروری به نظر می‌رسد که علاوه بر روشن ساختن شاخص‌های هویت اجتماعی، سیر زمانی تحولات این مقوله مهم مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار گیرد.

با توجه به اتخاذ پیش فرض ترکیبی بودن هویت، سؤالات اصلی این تحقیق این است که عناصر سازنده این ترکیب در قشر جوان جامعه ایرانی کدامند؟ تحولات هر کدام از این عناصر در طول چند دهه اخیر چگونه بوده است و چه فراز و فرودی را داشته است؟ مسأله مورد توجه دیگر به روابط میان اجزاء مربوط می‌شود و سؤال مشخص آن است که مناسبات و میان اجزا و سازنده هویت جوانان ایرانی چگونه است؟ به بیان دیگر روابط بین ابعاد مختلف سازنده هویت از چه کم و کیفی برخوردار است؟

روش این پژوهش مطالعه طولی و ملی است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۹۴ انجام گرفت. این داده‌ها به دو شیوه (با توجه به تفاوت گویه‌ها در پیمایش‌های مختلف) تحلیل شده‌اند.

شمایی کلی می‌توان دریافت که هویت مذهبی با میانگین ۸۳/۱۱ غالب‌ترین نوع هویت در این سال‌ها در جامعه ایرانی بوده است. پس از آن هویت ملی با میانگین ۸۰/۲۹ بیشترین گسترش را در جامعه ایران دارد. هویت قومی با ۵۳/۴۶ و همچنین هویت مدرن با ۵۲/۰۳ در رده‌های بعدی قرار دارند.

هویت ملی از جمله هویت‌های فراگیر در ایران است. طبق نتایج به‌دست آمده به‌نظر می‌رسد افزایش هویت ملی از سال ۵۳ تا ۷۴ برای جامعه‌ای که در این بازه یک انقلاب ملی و یک جنگ تمام عیار خارجی را تجربه کرده و آثار همبستگی و اراده ملی را مشاهده نموده است، طبیعی است. اما جهش صعودی این شاخص در سال ۷۴ و ۷۹ را می‌توان تا حد بالایی به‌دلیل وجود انتخابات دوم خرداد ۷۶ و فضای باز سیاسی در این بازه دانست که در آن به‌دلیل همبستگی بالایی که بین مردم در جریان انتخابات به وجود آمد، هویت ملی افزایش چشمگیری یافت، به‌طوری که در سال ۷۹ میزان شاخص هویت ملی به بالاترین میزان خود در این بازه سی و چند ساله رسید. به دنبال افول جریان اصلاحات در سال‌های بعد و ناامیدی حاصل از این جریانات، میزان هویت ملی نیز رو به افول گذارد تا جایی که در آخرین سال دولت اصلاحات (۱۳۸۳) به کمترین میزان در سه دهه قبل خود می‌رسد و اگرچه در سال ۸۴ و به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم این شاخص کمی افزایش می‌یابد اما این روند نزولی همچنان ادامه می‌یابد به‌طوری که در سال ۸۸ به پایین‌ترین حد خود در ۳۵ سال اخیر (حتی کمتر از قبل انقلاب) رسید. در سال ۹۴ با فروکش کردن تب و تاب حوادث سال ۸۸ و روی کار آمدن دولت اعتدال و مذاکره و تعامل با کشورهای اروپایی میزان هویت ملی

افزایش می‌یابد و اگر چه با دوران اوج خود فاصله دارد اما به مقدار خود قبل از سال ۸۸ نزدیک می‌شود. روند تغییرات هویت قومی نشان می‌دهد که این شاخص از سال ۷۹ تا ۸۵ تقریباً با فراز و نشیب محدود، سیر ثابتی داشته است. اما سال ۸۶ به بعد، این شاخص روند جهشی داشته است که سیاست‌های داخلی دولت و نیز تحولات منطقه‌ای و شدت یافتن تحرکات قومی (مانند کردستان و سیستان و بلوچستان) را به عنوان عامل آن می‌توان محتمل دانست. در مورد هویت مدرن با میانگین $۵۲/۰۳$ ، می‌توان گفت میزان این هویت پس از شیب ملایمی در طول بیش از ۲۵ سال (از سال ۵۳ تا ۷۹)، پس از این دوره با جهش زیادی مواجه شده است و این روند با فراز و نشیب نسبی تا سال ۸۶ حفظ شده است. عامل این امر را می‌توان نفوذ گفتمان مدرن جریان اصلاحات در بدنه جامعه بر اثر فعالیت‌های مدنی، مطبوعاتی، سیاسی و... همچنین افزایش ضریب نفوذ رسانه‌های غربی و جهانی (اینترنت و ماهواره) دانست.

هویت مذهبی یکی از دیرپاترین و پررنگ‌ترین انواع هویت‌های ایرانیان است که قرن‌ها با جامعه ایرانی همراه بوده است. اگرچه از یک منظر کلی می‌توان به موازات افزایش هویت مدرن و رشد ارزش‌های سکولار در جامعه، میزان هویت مذهبی را رو به کاهش پیش‌بینی کرد، اما مشاهده روند تغییرات این هویت در یک دوره ۲۱ ساله (۷۴ تا ۹۴) نشان می‌دهد که این روند را نمی‌توان از این منظر توضیح داد و باید برای این منظور به دنبال عوامل دیگری گشت. همچنین برحسب نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی و براساس نمودار هم‌تغییری هویت ملی با هویت مدرن به‌طور کلی می‌توان استنباط کرد به‌رغم وجود همبستگی‌های ضعیفی در یافته‌های سال‌های ۷۹ و ۸۴، میان این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت قومی در میان جوانان در سال ۸۶ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. بدین معنا که با افزایش هویت ملی جوانان در ایران، هویت قومی آنها تا حدی افزایش می‌یابد و متقابلاً با افزایش هویت قومی در میان جوانان، هویت ملی آنها تا حدی، زیاد می‌شود. براساس نمودار مربوط به هم‌تغییری این دو شاخص می‌توان مشاهده کرد از سال ۸۲ به بعد این دو شاخص با یکدیگر هم‌تغییری مستقیم هر چند ضعیفی را نشان می‌دهند.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال‌های ۷۹، ۸۴، ۸۶ و ۸۸ نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. نمودار هم‌تغییری این دو مفهوم نیز یافته‌های تحلیلی تحقیق را به شکل رساتری نشان می‌دهد. براساس این نمودار هم‌تغییری مستقیم این دو شاخص در

طول زمان مشخص است و نشان می‌دهد که با افزایش یا کاهش هویت ملی، هویت مذهبی هم افزایش یا کاهش می‌یابد.

نمودار تغییرات هویت مدرن و هویت قومی نشان از آن دارد که در سال ۷۹ تا ۸۴ رابطه مستقیمی میان این دو هویت وجود دارد، به این صورت که با افزایش یکی از آنها دیگری نیز افزایش می‌یابد. اما پس از سال ۸۴، در سال‌های ۸۵، ۸۶ و ۹۴ این رابطه معکوس می‌شود. لذا برحسب یافته‌های تحلیلی و همچنین نمودار هم تغییری می‌توان استنباط کرد که در کل این دو متغیر با یکدیگر رابطه معناداری ندارند.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت مدرن و هویت مذهبی در میان جوانان در سال ۷۹، فرورین ۸۴، آبان ۸۴ و سال ۸۵ نشان از عدم رابطه معنادار یا رابطه معنادار ضعیف میان این دو متغیر است. نمودار مربوط به هم تغییری این دو شاخص نیز یافته‌های تحلیلی تحقیق را به خوبی در طول زمان نشان می‌دهند. در این نمودار مشاهده می‌شود که گاهی این دو هویت به صورت مستقیم با هم تغییر کرده و هر دو زیاد یا کم می‌شوند، اما در سال‌هایی به عکس یکی از آنها کم و دیگری زیاد می‌شود و گاهی نیز یکی از آنها کاهش یا افزایش می‌یابد و دیگری تغییر نمی‌کند. به‌طور کلی برحسب یافته‌های تحلیلی نمودار ترسیم شده می‌توان استنباط کرد علیرغم وجود همبستگی‌های ضعیفی در یافته‌های سال‌های ۷۹ و ۸۴ میان این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌های تحلیلی در باب رابطه میان هویت قومی و هویت مذهبی نشان می‌دهد ضریب همبستگی این دو متغیر معنادار نیست. هرچند یافته‌های تحلیلی عدم رابطه معنادار میان هویت قومی و هویت مذهبی را نشان می‌دهند، اما نمودار ترسیم شده رابطه معکوسی را میان این دو نوع هویت آشکار می‌کند. در نمودار هم تغییری این دو متغیر مشاهده می‌شود با کاهش هویت مذهبی، هویت قومی افزایش می‌یابد و با افزایش هویت قومی، هویت مذهبی کاهش می‌یابد.

در پایان باید گفت دشواری تعیین و همسان‌سازی شاخص‌های ابعاد مختلف هویت به منظور بررسی و مقایسه آنها در این تحقیق (و نیز سایر متغیرهای مهم حیات اجتماعی در تحلیل‌های ثانویه مشابه)، حاکی از لزوم هماهنگی و هم‌سنجی بیشتر در پیمایش‌های ملی آینده است. اگرچه این پیمایش‌ها توسط نهادها و سازمان‌های مختلفی انجام می‌شود اما با توجه به هزینه‌های مادی و انسانی زیادی که برای انجام هریک از آنها صرف می‌گردد، ضروری است که متغیرها و گویه‌های مورد سنجش این نوع طرح‌ها (اگرچه مجریان آنها متفاوت باشند) در یک نهاد واحد علمی حتی‌المقدور همانندسازی شود تا از اتلاف سرمایه‌ها در این زمینه جلوگیری به عمل آید و مهم‌تر از آن، بررسی و مقایسه روندهای اجتماعی برای پژوهشگران و مسئولان عینی‌تر و دقیق‌تر گردد.

منابع و مأخذ

- اسدی، علی (۱۳۵۳). پیمایش ملی، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۶). ایران و تنهائیش، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بررسی تحلیلی هویت قومی و ملی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن (۱۳۸۶). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- بررسی تغییرات فرهنگی در میان جوانان (۱۳۸۶). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- بررسی تمایل به مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۴). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- برگر، پیتر ولاکمان، توماس (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). عقل در سیاست، تهران: مؤسسه پژوهش نگاه معاصر
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی
- پیمایش ارزش‌های جهانی (۱۳۷۹). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیمایش ارزش‌های جهانی (۱۳۸۴). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان (۱۳۸۶). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- پیمایش ملی ارزش‌های جوانان (۱۳۸۳). تهران: سازمان ملی جوانان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود و علی جنادله (۱۳۸۶). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر موفقیت اقتصادی»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه جامعه‌شناسی، شماره ۵۳، ۱۵۴-۱۱۷.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). بررسی منابع هویت ایرانی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران؛ دانشکده علوم اجتماعی.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۶). ایرانیان سرچشمه خودآگاهی غرب، روزنامه هم‌میهن، ۸۶/۴/۲.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکله هویت ایرانیان امروز. تهران: نشر نی
- رفعت‌جاء، مریم و علی شکوری (۱۳۸۷). «اینترنت و هویت اجتماعی»، مجله جهانی رسانه، شماره ۱، ۵۴-۷۰.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). رازدانی و روشن‌فکری و دین‌داری. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سروش، مریم (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سنجش دینداری در ایران. (۱۳۸۸). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- شاکری، رضا (۱۳۸۳). رابطه آگاهی و هویت، مجموعه مقالات هویت در ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی... ❖ ۱۷۹

عبداللهی، محمد (۱۳۷۴). «بحران هویت و دینامیسم و مکانیسم تحول هویت جمعی در ایران». نامه انجمن جامعه‌شناسی، دفتر اول، ۸۳-۶۳.

فرهنگ سیاسی ایرانیان. (۱۳۸۴). تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی و ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)». مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۱۶۱-۱۲۷.

گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۴). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۴). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۸۵). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشرنی

گودرزی، حسین (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی

ملاک‌های همسرگزینی در جامعه معاصر ایران و بررسی تحولات آینده و پیامدهای آن (۱۳۸۸). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵). دین و هویت، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

وضعیت و نگرش جوانان ایران: مشاوره‌ای با جوانان (۱۳۷۹). تهران: سازمان ملی جوانان.